

مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی

اسماعیل شیرعلی^۱

چکیده:

با گسترش دموکراسی بعد از دهه ۱۹۹۰ در جهان، موضوع حکمرانی و مردم‌سالاری بیشتر مورد توجه واقع شد و این موضوع اهمیت یافت که چطور می‌توان حکمرانی را به سمت مردمی‌شدن پیش برد. مردمی‌سازی حکمرانی به تلاش‌های جنبش‌های اجتماعی و نهادهای غیردولتی برای خلق فضاهای جدید مشارکتی در کلیه عرصه‌های حکمرانی اشاره دارد که این مشارکت منجر به تغییر و شکل‌دهی مجدد به رویه‌های حکمرانی می‌شود. پژوهش حاضر به شیوه مروری انجام شد. روش گردآوری اطلاعات موردنیاز، کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری نیز فیش-برداری بود. جامعه آماری پژوهش کلیه متون مرتبط با مردمی‌سازی حکمرانی بود که متون مرتبط به صورت هدفمند انتخاب شدند. نتایج مربوط به یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مردمی‌سازی حکمرانی بیشتر بر حقوق شهروندان و عدالت اجتماعی تاکید دارد. مردمی‌سازی حکمرانی تلاش دارد قدرت عمومی را مجدداً سازماندهی نماید و از طریق طرح‌های مشارکتی نهادی که مردم محور است از تسلط نخبگان متنفذ محلی جلوگیری کند. بدنه اصلی مردمی‌سازی حکمرانی بازشدن ساختار نهادهای حاکمیتی به مشارکت مردمی، جامعه مدنی محلی و جنبش‌های اجتماعی است که از طریق نوعی حکمرانی مشارکتی، سیاست‌های محلی-ملی به درستی تدوین شده و فضاهای حیاتی جامعه در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، آموزش حفاظت می‌شوند. مردمی‌سازی حکمرانی وابسته به حزب و گروه خاصی نیست بلکه نوعی تعمیق دموکراسی با رویکرد اجماع عمومی در تمامی عرصه‌های کنش اجتماعی-سیاسی و اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، مردمی‌سازی، برابری، مشارکت مردمی.

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ولایت

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی نقش مردم در عرصه‌های جهادی و مدیریتی و سیاسی و فرهنگی تثبیت شد و چنانکه در بین آرمان‌های انقلاب اسلامی تأثیر گذاری مردم در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه از موارد مهم و قابل توجه است. با نگاه به دهه‌های اول انقلاب متوجه می‌شویم که ارتباط تنگاتنگی بین نهادهای مردمی و حاکمیت وجود دارد و دوگانه سازی دولت و مردم به معنای امروزی مشهود نیست. دوگانه سازی یعنی نقش تماشاگرانه مردم و تعیین کننده دولت و از عوارض آن مشکلات کنونی جامعه در عدم وجود اراده جدی برای حل مشکلات عامه از سمت دولت می‌باشد و مردم با وجود دوگانه سازی بجای مطالبه‌گری و تعیین راه‌های برون رفت از مشکلات صرفاً به نقادان عملکرد دولتمردان و ناسازگاران این صحنه مبدل می‌شوند. اما در این راستا لزوم بازگشت سنت‌های مردمی نهاد که از اهداف متعالی بنیان گذار کبیر انقلاب امام خمینی (ره) بوده است کاملاً حس می‌شود. برای مثال جهاد سازندگی که با شعار رسیدگی به مناطق محروم و دور افتاده در ایران تأسیس شد اوایل انقلاب که متشکل از نهادهای مردمی و دولتی در کنار هم بودند و در هر زمینه‌ای که نیاز به کار فرهنگی جهادی اقتصادی دفاعی بود ورود می‌کردند و به رفع خلاء های موجود می‌پرداختند و در این راستا دولت و مردم خود را جدای از هم نمی‌دیدند و در یک راستا به دور از دوگانه سازی به تحقق اهداف پرداختند. اما با ادغام جهاد سازندگی در نهادهای دولتی عملاً این نهاد مردمی به معنای واقعی کارکرد خود را از دست داد و مردم تماشاگرانه به امید حل مشکلات توسط وزارت جهاد در یک سمت نشستند و نقش اساسی خود را از دست دادند و بر آورد آن کاهش کارایی نهاد جهاد سازندگی، دوگانه سازی، افزایش انتظارات و بهره‌وری کم بود. از همین روی مشاهده می‌شود که از ابتدای انقلاب در ایران رویکرد حکمرانی بر مردمی‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های خود مردم بود. کار را به خود مردم سپردن، جلوگیری از هرگونه دخالت بیجا و مانع مشارکت، به همراه ظرفیت‌سازی‌های جدید برای بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در فرایند حکمرانی مردمی یا مردمی‌سازی حکمرانی نقشی بسیار اساسی و تعیین‌کننده دارد. اگر هر جامعه را دارای رکن سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بنامیم در تمامی این عرصه‌ها، تاثیرگذاری و حضور مردم قابل تعریف است. مردم در رکن سیاسی جامعه با نقش آفرینی در انتخاب مسئولین و همچنین رد یا تأیید تصمیمات

کلان همچون قانون اساسی با حضور در انتخابات، در اداره کشور مشارکت دارند. از دیگر نقش آفرینی‌های مردم در عرصه سیاست، حضور در راهپیمایی‌ها و تظاهرات است که چهره سیاسی مطلوبی از کشور در دنیا ترسیم می‌کند.

در رکن اجتماعی جامعه، مردم به عنوان کمک رسان و در قالب گروه‌ها و تشکل‌های مردمی، به حاکمیت و سایر مردم در حل مشکلاتشان کمک می‌کنند. نقش دیگر مردم در رکن اجتماعی جامعه به عنوان ناظر است؛ نظارت مردم بر نهادهای حاکمیتی و دولتی جهت بهبود خدمت رسانی، نظارت مردم بر بنگاه‌های اقتصادی جهت جلوگیری از فساد و گران فروشی، نظارت مردم بر مردم که در اسلام تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌شود، از جمله مصادیق حضور و مشارکت مردم در رکن اجتماعی جامعه است که جایگزین دیگری ندارد.

در رکن فرهنگی جامعه، مردم به عنوان مروج فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌توانند مشارکت داشته باشند. با اینکه نهادهایی جهت انجام این مهم وجود دارد اما تجربه این نهادها نشان داده است که تا زمانی که مردم از دل جامعه برنخیزند و به فرهنگ صحیح روی نیاورده و آن را ترویج نکنند، افزایش بودجه این نهادها تأثیر قابل توجهی در فرهنگ سازی نخواهد داشت. لذا مردم به عنوان عامل مهمی که می‌توانند با سبک زندگی خود و حضور در گروه‌های مختلف، مروج فرهنگ باشند مطرح می‌شوند. در رکن اقتصادی جامعه نیز، حضور مردم می‌تواند به عنوان تولید کننده، سرمایه گذار و مصرف کننده مؤثر واقع شود. مردم و گروه‌های مردمی به عنوان تولیدکننده در قالب‌های مختلف می‌توانند حضور پیدا کرده و به این شکل در اقتصاد کشور نقش داشته باشند؛ در واقع گروه‌های مردمی با اطلاع از نیازهای کشور می‌توانند در کارگاه‌های کوچک و بزرگ، در این زمینه تولید داشته باشند. همچنین مردم می‌توانند به عنوان سرمایه گذار، به جای سرمایه گذاری در بانک در پروژه‌های بزرگ و ملی سرمایه گذاری کنند تا علاوه بر سوددهی، نیاز حاکمیت به منابع مالی را کاهش دهند. مردم به عنوان مصرف کننده نیز با استفاده از الگوی مصرف صحیح می‌توانند به کاهش مصرف در کشور کمک کنند.

بنابراین مشاهده می‌شود که مردمی سازی حکمرانی با حضور و مشارکت پررنگ مردم و ارتباط و پیوند بین نهادهای مردمی در نهادهای حاکمیتی منعکس می‌شود بنابراین ضروری است که موانع مردمی-سازي حکمرانی برداشته شود. سیاست‌های اقتصاد نئولیبرالی که بعد از دولت سازندگی مطرح شد؛

بیشتر خصوصی سازی را نهادینه کرد تا مردمی سازی؛ این موضوع سبب شد که اغلب مردم و نهادهای مردمی نظیر تعاونی‌ها رشد قابل توجهی نداشته باشند و اساساً تشدید روند فرایند پولی شدن اقتصاد و کاهش نقش و مشارکت مردم عملاً مردمی سازی حکمرانی را با خلاء بسیار جدی مواجه کرد که ضروری است این مهم بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد که بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر کندوکای مفهومی در مردمی سازی حکمرانی است.

مبانی نظری

حکمرانی

قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری بر می‌گردد. واژه حکمرانی^۱ از لغت یونانی “کایبرنان^۲” و “کایبرنتس^۳” گرفته شده و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگه داشتن است. در حالی که مفهوم حکومت، دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه سیاستگذاری داشته و برجسته‌تر از اجرای سیاست هاست. پس می‌توان گفت واژه حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاستگذاری و هم در حوزه اجرا دارد. حکمرانی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، به یکی از واژه‌های محوری علوم اجتماعی، به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شده است. بنابراین حکمرانی را می‌توان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو می‌شوند. جوهره حکمرانی به وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیروهای غیر حکومتی اشاره دارد (آخموچ و کوریرا^۴، ۲۰۱۶: ۱۲۲).

با توجه به مفهوم حکمرانی، تعاریف متنوعی ارائه شده که در هر تعریف به جنبه‌های خاصی از آن مفهوم بیشتر توجه می‌شود. بنابراین هرچند در بکارگیری این مفهوم، مقصود و منظور واحدی مد نظر همگان است؛ توجه به تفاوت‌ها و جنبه‌های مختلف، سطوح گستردگی حوزه این مفهوم را نشان می‌دهد که خود

۱. Governance

۲. Kybernan

۳. Kybernetes

۴. Akhmouch, Correira

می‌تواند مبانی برای سیاستگذاری و نیز اقدام بهینه باشد. حکمرانی اعمال اقتدار در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی در مدیریت امور کشوری در همه سطوح است. حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شوندگان مربوط می‌شود. حکمرانی اعمال اقتدار اداری، اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح بوده و ساز و کارها، فرایندها و مؤسساتی را در بر می‌گیرد که از طریق آنها شهروندان و گروه‌های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را ادا و اختلافات خود را حل و فصل می‌نمایند (بریسبویس و لو^۱، ۲۰۱۶: ۲۰۳).

حکمرانی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرایندی است که از آن طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن، مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. در واقع حکمرانی به سازمان‌ها و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند و لازم به توجه است که حکمرانی، وجود قدرت در داخل و خارج از اقتدار نهادهای رسمی و غیر رسمی را به رسمیت می‌شناسد و گروه‌های اصلی از بازیگران دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی را شامل و نیز دربرگیرنده فرایند شناسایی و تشخیص تصمیماتی است که در آن مجموعه پایه ریزی شده‌اند (براون^۲، ۲۰۱۸: ۲۷).

هرچند تئوری حکمرانی عمدتاً در چارچوب سرمایه‌داری جهانی توسعه یافته، اما در حال انتقال تدریجی به کشورهای سوسیالیستی از جمله چین است و امروزه حکمرانی به عنوان یک مسئله اساسی در راهبرد توسعه کشورهای به چشم می‌خورد که عملکرد ضعیفی دارند. مانند چندی از کشورهای آفریقایی. در این رابطه بانک جهانی^۳ در سال ۱۹۸۹ به این نتیجه رسید که مسئله حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان، موضوع کلیدی توسعه است. این مسئله به تدریج در بانک جهانی مورد مطالعه و بررسی عمیق‌تر قرار گرفته تا اینکه این موضوع در گزارش سالانه توسعه

^۱ . Brisbois, Loe

^۲ . Brown

^۳ . World Bank

جهانی^۱ در سال ۱۹۹۶ با عنوان "از برنامه تا مازاد" به روشنی انعکاس یافته است. علاوه بر آن در اعلامیه پیش نویس ونکوور از حکمرانی به عنوان یک پارادایم جدید برای مدیریت بشر نام برده‌اند (دیاز و ریز، ۲۰۲۰: ۱۱۷۹).

مردمی‌سازی

مردمی‌سازی در لغت به معنی عمل یا فرایند عمومی شدن یا انجام چیزی توسط عموم مردم است. در مردمی‌سازی عموم مردم درگیر دخالت، تصمیم‌گیری و مشارکت در فرایندهای شناخته‌شده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جامعه می‌شوند بر همین اساس مردمی‌سازی با مشارکت تشدید یافته مردمی قرابت معنایی بیشتری دارد. مردمی‌سازی با رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب و وجود نیازهای مردم اهمیت دارند. آنچه در یک فرایند مردمی‌سازی موفق مهم است احساس نیاز برای حل یک مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آنهاست. مردمی‌سازی دلالت بر بالابردن نقش مردم در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی دارد که به همراه آن مردم بتوانند در فرایندهای تصمیم‌سازی، اجرا و ظارت دخالت و مشارکت فعالی داشته باشند. اما قبل از این که اقتصاد، حکمرانی و سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی مردمی شود باید مردم اهمیت و حساسیت موضوع را درک نمایند به عبارت بهتر مردمی‌سازی با حساس‌سازی نسبت به موضوعات و مسائل حکمرانی صورت می‌گیرد؛ هرچقدر زمینه‌های مشارکت مردم آماده باشد لیکن مردم حساس و آگاه به حضور در عرصه تصمیم‌گیری، و مشارکت نباشند مردمی‌سازی راه به جایی نخواهد برد (پولاچ^۳، ۲۰۲۱: ۱۰).

مردمی‌سازی در یک اجتماع از حساس شدن آغاز می‌شود که نخستین پله مردمی‌سازی است. پله بعدی آگاه شدن و دانستن است. مردم در یک جامعه حق دارند که از اتفاقاتی که در اجتماع آنها می‌افتد با

^۱ World Development

^۲ Diaz, Reez

^۳ Pollach

خبر باشند. پله بعدی، مشاوره و ارائه نظر از سوی مردم است. افراد در یک جامعه در جلسات گروهی شرکت می‌کنند و نظرات خود را مطرح می‌کنند. آنان در این مرحله نیازهای خود را در اجتماع محلی فهرست می‌کنند و در باره اولویت‌ها سخن می‌گویند. گاه در این مرحله کمیته‌ها یا ساختارهایی شکل می‌گیرد. پله بعدی، نقش‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های اجرایی است. بعد از آن وارد پله‌ای می‌شود که می‌توان آن را "درگیر شدن فرد در جریان کار" نامید، به گونه‌ای که دیگر جزئی از فرایند محسوب می‌شود و نمی‌توان او را از این فرایند جدا کرد. وارد شدن در این فرایند، به معنای توانمند شدن مردم در جامعه محلی است. اگر شناسایی نیاز مردم در سطح محلی توسط خود آنان به اقدام محلی بیانجامد منجر به مردمی‌سازی محلی برای برآورده شدن نیاز می‌گردد در عین حال که ممکن است نیاز منجر به تقاضا یا مطالبه شود اما مشارکتی را به وجود نیآورد. در تمام جریان مردمی‌سازی، تلاش این است که مردم محلی نیازهای خود را بشناسند، اولویت بندی کنند و خود برنامه‌ای را برای تحقق آن نیاز طراحی کنند بدون اینکه نیازها تبدیل به مطالبات شود. در واقع نتیجه فعالیت‌های مردمی‌سازی، باید اقدام برای رفع نیازهای محلی باشد (ورانا^۱، ۲۰۱۰: ۲۷).

مردمی‌سازی حکمرانی

مردمی‌سازی حکمرانی را باید موج جدیدی از فرایندهای مشارکت در حکمرانی تعریف کرد. مردم-سازی حکمرانی پشتوانه جدیدی از حکومت دموکراتیک است که در آن مدیریت عمومی و بوروکراسی سنتی دولت محور جای خود را به مدیریت مشارکتی و مردم‌محور می‌دهد. وارن^۲ (۲۰۱۴) معتقد است پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی باعث شده شکل جدید حکمرانی بر عدم تمرکز و مشارکت تأکید نماید این شکل جدید حکمرانی در پاسخ به ناتوانی نهادهای سیاسی و اقتصادی در تأمین نیازهای شهروندان صورت می‌گیرد در واقع نوعی حکمرانی مردمی متولد می‌شود که براساس آن نهادهای جدید دموکراتیک و مردم در تعاملی متقابل و پایدار به مشارکت در تمامی عرصه‌ها می‌پردازند. مردمی‌سازی حکمرانی کمبود یا نبود مشروعیت حاکمیت را جبران می‌کند. در مردمی‌سازی حکمرانی می‌توان در موارد متعددی

^۱ Vrana

^۲ Waren

مشارکت مردمی را در قالب انجمن‌ها یا مؤسسات نماینده آن‌ها تعمیق داد تا شهروندان بیشتری مشارکت را در زمینه سیاست‌گذاری داشته باشند (بوآ و بوسو^۱، ۲۰۲۱: ۷۱۸).

اگر مردم بدانند که فرصت‌هایی برای مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری وجود دارد معتقد خواهند شد که مشارکت در امور عمومی کاری ارزشمند است و بنابراین فعالانه مشارکت خواهند کرد، اما اگر حاشیه‌ای شوند و در انزوا قرار گیرند احتمالاً دلیل مناسبی برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نخواهند داشت. در واقع، مردمی‌سازی حکمرانی بر جریانی از مشارکت فعال شهروندان در همه حوزه‌های عمومی و حاکمیتی قرار دارد (لی، کوه و کیم^۲، ۲۰۲۱: ۱۱۱). در مردمی‌سازی حکمرانی، حقوق دموکراتیک از سطح دولت به سایر نهادهای اصلی جامعه نیز تسری پیدا کند. بهترین نقطه‌ی شروع برای مشارکت فعال، جماعات محلی است، به ویژه محل کار، همسایگان و انجمن‌های محلی مانند انجمن اولیاء مدرسه یا جمعیت همسایگان که می‌توانند محکم‌ترین بنیان برای نهادینه شدن مردمی‌سازی حکمرانی باشند. کارکرد چنین انجمن‌هایی این است که آگاهی مردم را ارتقا داده و در این روند مباحثی در مورد مسائل ناحیه‌ای و ملی پیش می‌آورد. مشارکت در مردمی‌سازی حکمرانی مستقیم است؛ بدین معنی که هرگونه تصمیم‌گیری، اجراء، نظارت در هرگونه پروژه توسعه‌ای به مشارکت مستقیم مردم و فرایندهای مرتبط سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد که این موضوع از سطح محلی تا سطح ملی براحتی امکان‌پذیر است. از این رو در مردمی‌سازی حکمرانی نقش نهادهای غیردولتی، مردمی و مردم‌نهاد بسیار تعیین‌کننده است (لیبرت^۳، ۲۰۱۹: ۴۰۰).

پیشینه تجربی

جعفری هفت‌خوانی و کوهکن (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «آسیب‌ها و موانع تحقق مردمی سازی دیپلماسی فرهنگی در ایران؛ یک پژوهش کیفی» انجام دادند. این محققان معتقدند؛ با عنایت به بیانات امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی و نیز اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان نتیجه

^۱ . Bua, Bussu

^۲ . Lee, Koh, Kim

^۳ . Libert

گرفت همان گونه که مردم ایران در عرصه‌های گوناگون این انقلاب نقش محوری داشته‌اند، در عرصه بین‌المللی نیز باید نقش کلیدی و مؤثری ایفا کنند و به تعبیر این پژوهش، «مردمی سازی دیپلماسی فرهنگی» صورت گیرد. مشاهده وضع موجود نشان می‌دهد که این مهم، آن چنان که باید محقق نشده است و پژوهش حاضر به دنبال شناخت موانع و آسیب‌های تحقق مردمی سازی دیپلماسی فرهنگی است. بدین منظور از روش مشاهده (مشارکتی و غیر مشارکتی)، مصاحبه نیمه ساخت یافته و اسنادی برای گردآوری داده‌ها، و از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌های کیفی تحقیق استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، هنوز نتوانسته به سطح مردمی شدن دست یابد و آسیب‌ها و موانع متعددی از تحقق آن جلوگیری کرده است. این آسیب‌ها و موانع را می‌توان در سه دسته کلی «از سوی متولیان رسمی»، «از سوی بازیگران مردمی» و «از سوی عوامل بیرونی» در نظر گرفت که هر یک مجموعه‌ای از آسیب‌ها و موانع خردتر را شامل می‌شوند.

در پژوهشی دیگر، که توسط رضایی و توحیدفام (۱۳۹۷) با عنوان «نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)» انجام شد. پرسش اصلی این پژوهش بیان می‌دارد «چه رابطه‌ای بین حکمرانی خوب با تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران وجود دارد؟». فرضیه اصلی این مقاله بیان می‌دارد «بین حکمرانی خوب و تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران، رابطه مستقیمی وجود دارد». این مقاله می‌کوشد با روش تجزیه و تحلیل کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای- اسنادی نشان دهد که حکمرانی خوب به‌عنوان الگویی برای کشورهای درحال توسعه، بستر مناسبی برای تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران است.

عرب اسدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تبیین سیاست‌های شکل‌گیری نظام اداره فرهنگ کشور، با تکیه بر راهبرد مردمی سازی» معتقدند؛ دولت‌ها در اداره عمومی نیازمند تعریف نقش و جایگاهی جدی برای مردم و نهادینه نمودن آن هستند. نقش مردم در حوزه فرهنگ به دلیل ماهیت و ویژگی‌های آن از ضرورتی دوجندان برخوردار است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل فرهنگی بودن ذات انقلاب، بیشتر به آن نیازمند است. بر این اساس باید برای اداره فرهنگ کشور به ساختاری کارآمد دست یافت که دولت شبکه‌ای در این خصوص الگویی قابل بررسی است. از آنجاکه این مقاله در پی بررسی، توصیف، تحلیل و ارائه است، فاقد فرضیه بوده و در پی پاسخ به این پرسش است که «چرا تا به حال و به

رغم جنس مردمی فرهنگ و خواست سیاست گذاران اصلی انقلاب اسلامی، نقشی جدی برای مردم در این عرصه تعریف نشده است؟» «اگر بخواهیم به این مهم جامه عمل بپوشانیم باید به چه اصول و سیاست‌هایی توجه کنیم؟» تبیین سیاست نامه‌ای برای تعریف و تقویت جایگاه مردم در اداره فرهنگ کشور از جمله دستاوردهای این پژوهش است. این سیاست نامه در شش ساحت قوانین، ساختارها، مدیران، برنامه ریزی، نیروی انسانی و عملیات تدوین شده است و در هر ساحت نیز به سه سطح ملی، بخشی و اجرایی آن توجه شده و مجری، مدت زمان اجرایی شدن و خروجی و نتیجه مورد نظر سیاست تبیین شده است.

ابوالحسنی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «حکمرانی مردم‌سالارانه» نیز معتقد است؛ دموکراسی در کشورهای دموکراتیک با چالش‌هایی روبرو شده است و نظریه پردازان برای حل مشکلات دموکراسی بحثی تازه را تحت عنوان: «حکمرانی» مطرح کرده‌اند. آن‌ها معتقدند برای رهایی از بحران دموکراسی باید «از حکومت مردم سالار به حکمرانی مردم سالارانه» رسید. حکمرانی مردم‌سالارانه به نوعی مردمی سازی حکمرانی است.

بوآ و بوسو^۱ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «بین دموکراتیزه کردن حکمرانی و حکمرانی دموکراتیک محور: توضیح تغییرات در حکومت مشارکتی در مورد بارسلونا» انجام دادند. محققان این پژوهش معتقدند چالش اصلی حکومت‌ها امروز بازکردن فضای حکمرانی به سوی مردم است تا بتوانند زمینه‌های بیشتر مشارکت مردم و کاهش هزینه‌های ساختار بوروکراسی خود را فراهم آورند. بنابراین در حکمرانی شهر بارسلون تلاش می‌شود تا از طریق مکانیزم‌هایی فضای مشارکتی از پایین به بالا ایجاد شود و این مشارکت در قالب پویا به سطوح مختلف حکمرانی تسری یابد. حکمرانی مردمی تلاشی مجدد برای مطالبه‌گری عملیاتی شهروندان برای پاسخگو نگهداشتن مسئولان است که براساس آن فضاهای جدید حکمرانی مردمی ایجاد شده و مردم ذینفعان و مشارکت‌کنندگان اصلی در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند.

لی^۱ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «مردمی‌سازی اطلاعات پزشکی» انجام دادند. محققان معتقدند؛ با وجود رواج فناوری اینترنت و ضریب نفوذ بالای تلفن‌های هوشمند و دستگاه‌های تلفن همراه، تفاوت‌هایی در دسترسی، قابلیت استفاده و کیفیت فناوری بسته به ویژگی‌های کاربران وجود دارد. از آنجا که این تناقضات می‌تواند برابری اطلاعات سلامت را تهدید کند، عمومی‌سازی اطلاعات پزشکی ضروری است. برای دستیابی به مردمی‌سازی اطلاعات پزشکی، اقدامات زیر باید در نظر گرفته شود: مشارکت مصرف‌کنندگان سلامت برای مشارکت در مراحل اولیه تولید اطلاعات، پرورش سواد دیجیتالی، تولید محتوای پزشکی ساده و قابل فهم، تجسم اطلاعات مربوط به سلامتی و ایجاد اصطلاحنامه پزشکی.

لیبرت^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های ارتباطی برای مردمی‌سازی علم» انجام داد. این پژوهشگر در این مطالعه توصیفی- مروری معتقد است نقش میانجی‌گری علم توسط عوامل، بازگیران، اهداف و اشکال دانش و سنت‌ها و پارادایم‌های علمی تعیین می‌شود بنابراین راهبردهای مردمی‌سازی علمی به علت تاثیرگذاری منابع مختلف بر آن متفاوت است. مردمی‌سازی علم با اهداف ارتباط خاصی که بر مخاطبین و نیازهای آن‌ها (دانش) تمرکز دارد پیوند خورده است بنابراین در حوزه مردمی‌سازی علم، رسانه و مخاطبان آن نقش بسیار مهمی بازی می‌کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای انجام شد؛ روش کتابخانه‌ای روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید. این روش، روشی غیرمزامنتی است و پژوهشگر را درگیر میدان نمی‌کند. همچنین هنگامی که نمی‌توان در جمع‌آوری داده‌ها مستقیماً به میدان وارد شده و به مصاحبه یا مشاهده پرداخت، روش کتابخانه‌ای می‌تواند بخشی از داده‌های پیشین (از قبیل آمارها) را در اختیار ما قرار دهد. به عنوان تکنیک مکمل برای برخی از روش‌ها و بسیاری از پژوهش‌ها تلقی

. Lee^۱

. Libert^۲

می‌شود و در بخش مرور پژوهش‌های پیشین و چهارچوب نظری پژوهش‌ها می‌توان از تکنیک کتابخانه‌ای استفاده کرد. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری بود؛ فیش‌برداری به معنای استخراج عبارت، جمله یا پاراگرافی از یک متن و نوشتن آن در فیش مطالعه است. فیش‌های سنتی مطالعه شامل اجزایی همچون نام کتاب، شماره جلد، شماره فصل، شماره صفحه، نویسنده، مترجم، ناشر و تاریخ بودند. در عوض امروزه، فیش‌برداری الکترونیکی جایگزین شده است. در این شیوه، پژوهشگر برای هر منبع، یک فایل متنی در رایانه باز می‌کند و در سطر اول هر پاراگراف شماره صفحه را نوشته و در سطر پایین مطلب استخراج‌شده از محتوا را می‌نویسد. در این تکنیک، به جای فیش‌برداری از هر منبع، پس از مطالعه چندین منبع، پژوهشگر برداشت‌های نظری خود را یادداشت کرده و در باره آن‌ها تأمل کرده و تفسیر می‌نماید. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه منابع مکتوب و آنلاین مرتبط با حوزه مردمی-سازي حکمرانی بود. روش نمونه‌گیری هدفمند بود؛ در این روش تنها متونی که مرتبط با موضوع و دارای دو کلیدواژه مردمی‌سازی و حکمرانی بودند انتخاب شدند.

یافته‌های تحقیق

باتوجه به پژوهش حاضر به صورت مروری و به روش کتابخانه‌ای انجام شد. در همین راستا مفاهیم و اجزای مرتبط با مردمی‌سازی حکمرانی را می‌توان به عنوان یافته‌های اصلی پژوهش حاضر برشمرد. مردمی‌سازی حکمرانی عاملی اصلی در متن قرارگرفتن مردم در کلیه امور اجرائی و نظارتی است؛ مردمی-سازی حکمرانی مدلی گویا و جامع برای مشارکت بیشتر و فعال‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های جمعی است. برهمین اساس در مردمی‌سازی حکمرانی تمامی اقشار در فرایندهای توسعه‌ای، و رشد و پیشرفت فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت فعالی دارند. مردمی‌سازی حکمرانی تأکید بر مشارکت همه شهروندان در مسائل عمومی در قالب‌های حکمرانی و فرایندهای تصمیم‌گیری، قانونگذاری و اجرا است بنابراین می‌توان گفت مردمی‌سازی حکمرانی دارای اجزاء، عناصر و ابعاد ذیل است؛

۱) مشارکت و درگیرکردن مردم

تحقق هرگونه حکمرانی مردمی و مردمی‌سازی حکمرانی نیازمند درگیرکردن، مشارکت دادن و حساس کردن مردم برای ورود به فرایندهای سیاست‌گذاری، اجرا، مدیریت و نظارت بر فرایندها و پروژه‌های توسعه‌ای است. اساساً مشارکت و درگیرکردن افراد موجب تکامل روحی و جسمی خود مردم نیز می‌شود؛

جامعه‌ای که بتواند احساس سودمندی و مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پرورش دهد، و توجه به مسائل دسته‌جمعی را تقویت نماید به شکل‌گیری شهروندانی آگاه و مسئولیت‌پذیر کمک می‌کند و این شهروندان دلبستگی مستمری به فرایندهای حکمرانی خواهند داشت (عرب و خاکزند، ۱۴۰۰: ۶۲). اگر توده‌های مردم در فرایندهای تصمیم‌سازی مشارکت نمایند، آگاه‌تر خواهند شد و این آگاهی سبب می‌شود که نسبت به مسائل و مشکلات جامعه نیز احساس مسئولیت‌پذیری داشته باشند و بتوانند با مشارکت خود دوباره ظرفیت‌های جدیدی برای توسعه خلق نمایند. موضوع نوآوری اجتماعی که به معنی ابتکارات محلی برای حل مسائل اجتماعی-اقتصادی است بهترین نمونه مثالی است که می‌توان ذکر کرد که در آن مشارکت مردم در جامعه محلی موجب تصمیم‌سازی بهتر برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌شود. شهروند آگاه و مشارکت‌جو بیشتر به حکومت احساس دلبستگی می‌کند و حکومت را جزئی از خود می‌داند (هدایتی، ۱۴۰۰: ۲۳).

در فضای اقتصاد ایران نیز در حال حاضر نیازمند حساس‌سازی و درگیرکردن و جلب مشارکت مردم بیش از پیش احساس می‌شود. وقتی از مردمی کردن اقتصاد صحبت می‌شود یعنی در گام اول، حساس کردن مردم به اقتصاد و بعد درگیر کردن مردم به عنوان مصرف‌کننده‌ای فعال در اقتصاد است و در گام‌های بعدی درگیر کردن مردم به عنوان تولیدکننده و توزیع‌گر فعال و مهم‌تر از همه دخالت دادن مردن در توسعه کشور و رقم زدن توسعه مشارکتی قرار دارد، که بسیار وسیع‌تر از دخالت دادن صرف سرمایه‌های مردم در اقتصاد است که از طریق اصل ۴۴ باید تحقق یابد و اعم از حضور و مشارکت مردم در اقتصاد نیز می‌باشد، اما نباید مردمی کردن اقتصاد را به آن تقلیل داد. الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی الگویی مشارکتی که متخذ از انقلاب اسلامی است بر اساس مشارکت مردم در فرایند پیشرفت کشور است که باید به صورت تخصصی و منطقه‌ای پی‌گیری بشود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب مردم محور توسعه قرار گیرند.

۲) برابری

در مردمی‌سازی حکمرانی، مشارکت و برابری را دو امر به هم پیوسته هستند که بدون برابری، مشارکت کامل صورت نخواهد گرفت. بنابراین امکان دسترسی برابر به منابع اقتصادی و نیز به دانش، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی شرط لازم تحقق یک نظام حکمرانی مردمی است. مشارکت نه تنها نیازمند برابری

صوری در برابر قانون است، بلکه نیازمند ایجاد شرائط و زمینه‌های برابر برای همه افراد است تا بتوانند به صورت مساوی در تصمیم‌گیری‌های عمومی مشارکت نمایند. اما برابری در ساختار اقتصاد سرمایه-داری نئولیبرالی که درصدد پولی‌کردن و خصوصی‌کردن همه چیز است امکان‌پذیر نیست. در اقتصاد نئولیبرالی منابع و منافع عمدتاً اقتصادی به سرمایه‌داران عمده تعلق می‌گیرد که در تضاد کامل با اقتصاد و حکمرانی مردمی است. بهبود مستقیم منابع ضعیف بسیاری از گروه‌های اجتماعی از طریق توزیع مجدد منابع مادی و وجود یک نظام اطلاعاتی باز برای تضمین تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و برابر از شرائط لازم برای شکل‌گیری مردمی‌سازی حکمرانی به ویژه در حوزه اقتصاد است. (سروش هریس، ۱۴۰۰: ۲۹).

برابری اجتماعی اموری از یک دولت است که در آن همه افراد یک جامعه خاص یا گروه‌ها وضعیت یکسانی در جنبه‌های خاصی، از جمله حقوق مدنی، آزادی بیان، حقوق مالکیت، و دسترسی برابر به کالاها و خدمات اجتماعی داشته باشند. با این حال، آن نیز شامل مفاهیم عدالت در سلامت، برابری اقتصادی و دیگر اوراق بهادار اجتماعی است. این همچنین شامل فرصت‌ها و تعهدات برابر، و غیره در کل جامعه است. برابری اجتماعی نیاز به حذف طبقه اجتماعی یا کاست از نظر قانونی در اجرا و عدم وجود تبعیض در بخش غیرقابل انکار هویت فرد است (آل سیدغفور و طالقانی، ۱۳۹۷: ۴۵).

در مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، برابری براساس اصل تساوی انسان‌ها تعریف شده است، که زمینه ورود مردم به ارکان مختلف حکمرانی را تسهیل می‌کند. یکی از اصول اسلام اصل تساوی انسانها است. به موجب این اصل که از کرامت ذاتی هر شخص انسانی نشأت می‌گیرد هیچ انسانی فراتر و یا فروتر از دیگران آفریده نمی‌شود. به همین دلیل هیچ کس نمی‌تواند بدون دلیل بر دیگری حاکمیت داشته باشد. اصل تساوی انسانها، اصول دیگری را به همراه دارد که یکی از آنها اصل عدم سلطه شخصی بر شخص دیگر است. برابری حاکم با مردم در معیشت و عمل جلوه‌ای از برابری افراد در اسلام است. هیچ امتیازی برای حاکم و جود ندارد همچنان که هیچ مصونیتی در برابر قوانین برای وی نیست. برابری انسانها در اسلام، شامل همه جنبه‌ها، اعم از برابری در حقوق اساسی از جهت برابری در برابر قانون، برابری در برابر قاضی و برابری در حقوق و تکالیف می‌شود. واجبات و محرمات برای همگان است، همان گونه که مصونیتی برای اشخاص وجود ندارد و همان گونه که در آیین آدرسی اسلامی تفاوتی بین اطراف دعوا یا امتیازی برای هیچ متهمی در نظر گرفته نشده است (ظهرایی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۳) سازمان‌های غیردولتی و مردمی

بسیاری از زمینه‌های مشارکت مردم در حکمرانی، مبتنی بر نهادهای غیردولتی، مردم‌نهاد و محلی و یا مذهبی است. قبل و بعد از انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی کارکردهای نهادهایی نظیر هیات‌های مذهبی یا انجمن‌های مختلف به اثبات رسید. این نهادها محمل مناسبی برای جلب مشارکت مردم بودند و در برخی از موارد نیز در تصمیم‌سازی‌ها نیز مؤثر بودند (نژادی‌منش و عبدالهی اصل، ۱۳۹۴: ۲۰). امروزه تنوع نهادهای غیردولتی و مردمی در حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی، محیط‌زیست، اقتصاد بسیار پررنگ‌تر است که این نهادها هم نقش مهمی در حکمرانی دارند. نهادهای غیردولتی و مردمی به عنوان تشکلی‌هایی مردمی میانجی در جامعه هستند که آحاد فردیت یافته نظام اجتماعی را در مجموعه‌های هدفمند و سازمان یافته، در خارج از جهان بوروکراتیک دولت‌های برآمده از نظام سرمایه‌داری و حامی آن متشکل می‌کنند. این تشکلی‌ها با تعریف وظیفه نظارت بر جهان بوروکراتیک نظام اقتصادی نو و با تعریف کارکرد همکاری با دولت متولی و حافظ بوروکراسی، سلطه واقعی و عملیاتی نظام دموکراسی را محقق می‌سازند (قلی‌پور ارکمی، ۱۳۹۳: ۱۳).

نهادهای مردم‌نهاد سه نقش مهم در حکمرانی دارد که عبارتند از:

- ۱) نقش مجری: بسیج منابع برای ارائه‌ی کالاها و خدمات، هم به عنوان بخشی از برنامه‌ها و پروژه‌های خود سازمان‌های مردم‌نهاد و هم برنامه‌های دولت و آژانس‌های حامی؛
- ۲) نقش تسهیل‌گری: توانایی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایجاد انگیزش، تسهیل‌سازی، یا به تغییر مثبت در میان سایر فعالان در سطح فردی یا سازمانی. این نقش، سازماندهی توده‌ی عوام و شکل‌گیری گروه و ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و فعالیت‌های حمایتی و..... را شامل می‌شود
- ۳) نقش شریک: این نقش شامل رشد‌گرایش سازمان‌های مردم‌نهاد به همکاری با دولت، حامیان و بخش خصوصی برای انجام فعالیت‌ها به صورت مشارکتی و روابط پیچیده‌ای که در میان سازمان‌های مردم‌نهاد ظهور نموده است (عمرانی دهکهان، ۱۳۹۳: ۲۰). چهارنقش برای سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با خط‌مشی‌گذاری به عنوان شریک می‌توان قائل شد؛

۱- نقش خدمات‌رسانی: اقدام مستقیم برای انجام آنچه که باید صورت گیرد.

۲- نقش وکالتی یا حمایتی: گفتگو و رایزنی با حکومت برای انجام کارهای درست.

۳- نقش نوآوری: ارائه پیشنهاد و اثبات اینکه چطور کارها باید به طریق متفاوتی انجام شود (عابدی، ۱۳۹۲: ۸۹).

۴- نقش نظارتی: تلاش در جهت اطمینان از اینکه حکومت و بخش خصوصی کاری که باید انجام دهند را انجام می دهند جدای از ماهیت و هدف هر کدام از این فعالیت‌ها و نهادها، آنچه که مهم می باشد، توانایی از سازمانها و نهادها در بکارگیری توانایی مردم بصورت داوطلبانه است که در صورت تعریف صحیح می توانند هدایت کننده بزرگترین سرمایه اجتماعی که مشارکت مردم در شرایط مختلف است (گالی شستر^۱، ۲۰۲۰: ۱۵۲۶).

بنابراین باید گفت تمام سازمان‌های مردم نهاد به دنبال ایجاد و گسترش مشارکت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی می باشند. بسیاری از پروژه‌های محلی، ملی و منطقه‌ای به دلیل نیاز شدید به سرمایه و نیروی کار، یا اساساً به مرحله اجرا در نیامده و یا نیمه تمام می مانند و هزینه‌های بسیاری را بر مردم تحمیل می کنند. سازمان‌های مردم نهاد در این مورد به عنوان یک تسهیل کننده عمل کرده و با جلب مشارکت مردمی و جذب سرمایه‌های کوچک و هدایت آن‌ها، علاوه بر ایجاد تفاهم اجتماعی، اجرای پروژه‌های محلی و ملی و امثال آن را تسریع می کنند. از سوی دیگر، این سازمان‌ها با اعمال نظارت^۲ و ارزیابی^۳ فرایند انجام فعالیت‌ها، مردم را از پیشرفت کار، مسائل و مشکلات و امثال آن آگاه می نمایند. همه این موارد از مزایای حضور و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد در حوزه مردمی-سازي حکمرانی است (خان و پرودهان^۴، ۲۰۲۰: ۱۲۵).

نتیجه گیری

توسعه و پیچیدگی جوامع ایجاب می کند که نقش مردم در تمامی عرصه‌ها پررنگ تر باشد اگرچه در دموکراسی نقش اصلی را مردم بازی می کنند لیکن دموکراسی‌های غربی مبتنی بر اقتصاد سرمایه‌داری بیشتر بر محوریت بخش خصوصی قرار دارد تا مردم. امروزه دموکراسی‌ها با تغییرات عمیق بیشتر به سمت

۱. Gali Schechter

۲. Monitoring

۳. Evaluation

۴. Khan, Prodhan

حکمرانی حرکت کرده‌اند که بر اساس کنش یا سیستم اداره‌ای است که براساس آن ارتباطات و تعامل بین بخش عمومی، خصوصی و دولتی تنگاتنگ و فراگیر است و در واقع مرز روشنی بین آن‌ها وجود ندارد. زمانی که حکمرانی به سمت مردمی‌سازی حرکت نماید نقش مردم در تمامی روش، شیوه اداره و انواع کنش‌های مرتبط با آن محوری می‌شود. این پژوهش که با هدف مفهوم‌سازی مردمی‌سازی حکمرانی انجام شده بود نشان داد که در مردمی‌سازی زمینه‌های حضور و مشارکت مردم در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پررنگ‌تر می‌شود و مردم نسبت به موضوعات و مسائل اجتماعی آگاه‌تر و مشارکت‌جو تر می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود مشروعیت حکومت ارتقاء یابد و بسیاری از مسائل اجتماعی با حضور محسوس مردم در اداره جامعه حل شود. مردمی‌سازی در سه عنصر خلاصه می‌شود؛ مشارکت و درگیرکردن مردم با حساس‌سازی آن‌ها به مسائل و موضوعات جامعه، برابری در تصمیم‌گیری، فرصت‌های مشارکت و اداره جامعه و نیز استقبال از حضور نهادهای و سازمان‌های غیردولتی و مردمی. هرچقدر در فرایندهای حکمرانی مردم بیشتر درگیر شوند، از ظرفیت‌های نهادهای مردمی بیشتر بهره گرفته شود و فرصت حضور برای تمامی اقشار بوجود آید بهتر خواهند توانست در حرکت به سمت حکمرانی مردمی نقش بازی کنند که در نهایت منجر به توسعه کشور می‌شود.

منابع

منابع فارسی

- ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۱). حکمرانی مردم‌سالارانه. سیاست- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۲ (۱): ۱۹-۱.
- آل سیدغفور، سیدمحسن و طالقانی، آلیس (۱۳۹۷). نقش عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها در توسعه، کنفرانس ملی توسعه اجتماعی، اهواز.
- جعفری هفت‌خوانی، نادر؛ کوهکن، محمدرضا. (۱۳۹۸). آسیب‌ها و موانع تحقق مردمی‌سازی دیپلماسی فرهنگی در ایران؛ یک پژوهش کیفی. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۹ (شماره ۱)، ۳۱-۷۰.

- رضائی، حسن؛ توحیدفام، محمد. (۱۳۹۷). نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی). فصلنامه علمی راهبرد، ۲۷(۴)، ۳۵-۶۵.
- سروش هریس، هوشنگ (۱۴۰۰). تأثیر توسعه انسانی، نابرابری جنسیتی و برابری در سطح آموزش زنان و مردان بر درجه باز بودن اقتصادی در کشورهای منتخب با تأکید بر شاخص توسعه مالی، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- ظهرابی، محمدرضا (۱۳۹۵). تأثیر اصل برابری در توسعه حقوق فردی و اجتماعی در جامعه، اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، تهران.
- عابدی، اصغر (۱۳۹۲). نقش NGO ها و رسانه‌ها در فرهنگ سازی محیط زیستی، همایش ملی پدافند غیر عامل در بخش کشاورزی، قشم.
- عرب اسدی، حسین؛ احمدی، سیدعلی اکبر؛ بنافی، مسعود. (۱۳۹۲). تبیین سیاست‌های شکل‌گیری نظام اداره فرهنگ کشور، با تکیه بر راهبرد مردمی‌سازی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱(شماره ۳ (پیاپی ۳))، ۲-۳۸.
- عرب، مهسا و خاکزند، مهدی (۱۴۰۰). تأثیر گردشگری بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی در جهت تحقق برنامه‌های توسعه پایدار روستایی، کنفرانس ملی معماری، عمران، شهرسازی و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز.
- عمرانی دهکهان، سجاد (۱۳۹۳). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد NGO در حفاظت از محیط زیست، اولین همایش ملی مدیریت پایدار منابع خاک و محیط زیست، کرمان.
- قلی‌پور ارکمی، علی (۱۳۹۳). طراحی الگوی توسعه پایدار روستایی بر مبنای تشکیل NGO های محلی و با تأکید بر بکارگیری مدیریت جهادی (مورد مطالعه: منطقه اشکورات شهرستان رودسر)، همایش شناخت راهکارهای توسعه استان گیلان، رشت.
- نژندی منش، هیبت‌الله و عبدالهی اصل، سیدکمال (۱۳۹۴). نقش سازمانهای مردم‌نهاد (NGO) در ترویج حقوق شهروندی، همایش سراسری تبیین حقوق شهروندی، ارومیه.

- هدایتی، سیدعلی اکبر (۱۴۰۰). نقش مشارکت شهروندان در توسعه‌ی شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)، هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست، تهران.

منابع انگلیسی

- Akhmouch, Aziza & Correia, Francisco. (۲۰۱۶). The ۱۲ OECD principles on water governance – When science meets policy. *Utilities Policy*. ۴۳(۱۰): ۱۲۱-۱۳۴.
- Brisbois, Marie Claire & Loë, Rob. (۲۰۱۶). State roles and motivations in collaborative approaches to water governance: A power theory-based analysis. *Geoforum*. ۷۴. ۲۰۲-۲۱۲.
- Brown, K.P. (۲۰۱۸), "Multilevel Governance and Minimum Flow: The Varying Conservation Outcomes of Water Conflict Resolution", *Environment, Politics, and Society (Research in Political Sociology, Vol. ۲۵)*, Emerald Publishing Limited, pp. ۲۵-۴۴.
- Bua, A. and Bussu, S. (۲۰۲۱), between governance-driven democratization and democracy-driven governance: Explaining changes in participatory governance in the case of Barcelona. *European Journal of Political Research*, ۶۰: ۷۳۷-۷۱۶. <https://doi.org/10.1080/13570547.2021.1947510>.
- Diaz, D.A. and Rees, C.J. (۲۰۲۰), "Checks and balances? Leadership configurations and governance practices of NGOs in Chile", *Employee Relations*, Vol. ۴۲No. ۵, pp. ۱۱۵۹-۱۱۷۷.
- Gali, Y. and Schechter, C. (۲۰۲۰), "NGO involvement in education policy: principals' voices", *International Journal of Educational Management*, Vol. ۳۴No. ۱۰, pp. ۱۵۰۹-۱۵۲۵.
- Khan, Saadmaan Jubayer & Prodhan, Shamima. (۲۰۲۰). Government and NGO Provided Water Interventions and Its Effectiveness on Urban Poor: A Study in Gazipur Sadar Area. ۱۰(۶):۱۲۳-۱۳۸.

- Lee, Jisan. Koh, Jong Kwan., Kim, Jong-Yeup (۲۰۲۱). Popularization of Medical Information. *Healthcare Informatics Research* ۲۰۲۱; ۲۷(۲): ۱۱۰-۱۱۵.
- Liebert, W. (۲۰۱۹). ۱۹. Communicative strategies of popularization of science (including science exhibitions, museums, magazines). In A. Leßmöllmann, M. Dascal & T. Gloning (Ed.), *Science Communication* (pp. ۳۹۹-۴۱۶). Berlin, Boston: De Gruyter Mouton.
- Pollach, I. (۲۰۲۱), "The diffusion of management fads: a popularization perspective", *Journal of Management History*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1181/JMH-11-2020-0072>.
- Vrana, R. (۲۰۱۰), "Public libraries and popularization of science", *New Library World*, Vol. ۱۱۱ No. ۱/۲, pp. ۲۶-۳۵. <https://doi.org/10.1108/03074810110105667>.